

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

جلسه پالتاکی درونی

موضوع: رشد جنبش اعتراضی مردم در ایران و چگونگی فعالیت های ما در خارج

زمان: یک شنبه ۱۳ سپتامبر ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی
مدت زمان در نظر گرفته شده حداکثر تا ساعت ۲۳
طرح بحث از طرف شورای هماهنگی: اصغر اسلامی

جنبش اعتراضی مردم به سرعت مراحل ابتدائی اش را پیموده است و در حال شکوفائی است. خواسته های عمومی مردم به سرعت ارتقاء یافته است. شعار: آمده ام رای خود را پس بگیرم" به شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "رهبر حمایت می کند، دولت جنایت می کند"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر ولایت فقیه" و "یا من رای نداده ام، نیامده ام رایم را پس بگیرم، آمده ام وطنم را پس بگیرم!"، "آزادی، آزادی، جمهوری ایرانی" و ده ها شعار دیگر ارتقاء پیدا کرده اند. چه باید کرد، سئوالی است که بسیاری از ما را به خود مشغول کرده است. پیوستن و یا هم آوا شدن با "جنبش سبز" و دنباله روی از موسوی و یا دیگر اصلاح طلبان درون حکومتی، بدیل: "رنگین کمان"، "همه با هم" و یا "هر کس برای خود در کنار دیگران"، بدیل "هماهنگی بین فعالین سیاسی در طیف چپ و سوسیالیستی"، بدیل "همکاری بین احزاب سیاسی دمکراتیک، مذهبی و چپ"، بدیل "هماهنگی بین فعالیت های سیاسی نهاد های محلی موجود" و ده ها بدیل دیگر راه حل هائی است که در این جا و آنجا ارائه داده می شوند. کدام یک از این بدیل ها به اهداف و خواست های جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران نزدیک است، موضوع گفت و گوی ما در این نشست درونی است.

شورای هماهنگی جدل

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران- واحد پاریس

بیداری و ایستادگی در برابر نیرنگ

محمود احمدی نژاد که چهار سال پیش به تصمیم ولی فقیه و به یاری بدنه نظامی رژیم در انتخاباتی پادگانی به ریاست جمهوری در ایران دست یافته بود، این بار نیز کوشید با تکیه بر همان نیروها و از راه تقلب و سرقت آشکار آرای مردم در قدرت باقی بماند. کارنامه حکمرانی فاجعه بار او و دولتش در این چهار سال و نیز همه شواهد و قرائن و نظرسنجی های پیش از انتخابات، نشان از شکست او در دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری داشت.

کارگزاران نیرنگ بزرگ انتخاباتی که می پنداشتند همه چیز را طراحی کرده اند و همچون گذشته کار خود را با نتیجه دلخواه به پایان خواهند برد، بسیاری از برگ های این بازی را خوانده بودند جز واکنش و شورش فریب خوردگان و خیانت شدگان را : مردم به ستوه آمده ای که به امید تغییرات هرچند کوچک و ناپایدار، یکبار دیگر به قواعد بازی رژیم اسلامی تن داده بودند. اما اینبار وهن نیرنگ دست پروردگان ولایت فقیه، که نخستین نشانه های آن پیش از برگزاری انتخابات با مسدود کردن راه های ارتباط جمعی و اطلاع رسانی بروز کرده بود، چندان سنگین و دور از باور مردم بود که رأی دهندگان به خشم آمده را به خیابان ها ریخت و ورق را برگرداند. شتاب ولی فقیه در به رسمیت شناختن و صحه گذاشتن بر نتایج انتخابات رسوا، پیش از آنکه شورای نگهبان به این کار اقدام کند، شبهه ها را بیش از پیش در باره او زدود، تا آنجا که اکنون گسیختگی و شکافی بیسابقه میان او و سردمداران اصلاح طلب رژیم و بخشی از روحانیّت پدید آمده است. رهبر و نهادهای دست نشانده و گماردگان او در این نیرنگ، بر اثر هوشیاری و ایستادگی مردم، به دامی که خود گسترده بودند گرفتار آمده اند. روند حوادث روزهای آینده نشان خواهد داد که جنبش اعتراضی و خروش خیابان ها تا کجا آنان و سران سپاه را به عقب نشینی وادار خواهد کرد و برای نجات خود چه ترفندهائی به کار خواهند زد و تا کجا در فروخواباندن خیزش حق طلبانه مردم پیش خواهند رفت.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک که همواره رژیم استبداد دینی را در تمامیت آن مانع اساسی هرگونه تحول بنیادین به سوی

دموکراسی میدانسته، در این لحظات حسّاس وظیفه خود میداند :
از خواستِ برحق جنبش اعتراضی خودجوش مردم ایران برای ابطال
انتخابات تقلبی دفاع کند و با امواج همبستگی با این جنبش در خارج
از ایران در این راه همصدا شود.

ما خواهان برگزاری انتخابات آزاد، منطبق بر موازین شناخته شده
جهانی و با نظارت بین المللی در ایران هستیم. آیا تلاش
آزادخواهان ایرانی در درون کشور و بیرون از آن خواهد

توانست در این آزمون تازه این خواستِ برحق را به خواستِ عمومی
جنبش اعتراضی بدل کند؟

وظیفه ماست که در این روزها بکوشیم تا از طریق اطلاع رسانی به
افکار عمومی جهانی و رسانه های همگانی تا آنجا که ممکن است مانع
از آن شویم که دولت ها و دبیرکل سازمان ملل متحد نتایج دروغین
انتخابات در ایران و رئیس جمهور برآمده از آنرا به رسمیت
بشناسند.

نیرنگ انتخاباتی در ایران اکنون به خون بیگناهان معترض رنگین
گشته، ما خواهان رسیدگی و پیگرد آمران و عاملانِ این کشتار و
آزادی بیدرنگ دستگیر شدگان روزهای اخیر و توقف فوری سرکوب و
آزار تظاهرکنندگان هستیم.

ما خواهان آزادی اجتماعات و تظاهرات مخالفان دولت و رفع سانسور
و محدودیت های اطلاع رسانی و آزادی روزنامه نگاران زندانی و از
سرگیری کار خبرنگاران خارجی در ایران هستیم.

ما از همه مبارزان آزادخواه و سازمان های سیاسی، تشکل ها و
انجمن های هوادار دموکراسی در ایران دعوت میکنیم، صرفنظر از
مواضع سیاسی خود نسبت به انتخابات اخیر در هر جا که هستند و به هر
شیوه ای که میتوانند به تحقق خواست های دموکراتیک این جنبش
اعتراضی گسترده و سراسری که پایه های اختناق ولایت فقیه و نظام
استبداد دینی را به لرزه درآورده یاری رسانند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک - واحد پاریس

17 ژوئن 2009

27 خرداد 1388

نه به جمهوری اسلامی، نه به نمایش انتصابات ریاست جمهوری

نه به جمهوری اسلامی، نه به نمایش انتصابات ریاست جمهوری
در اعتراض به سرکوب توده های مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی هم صدا
شویم

در چند روز گذشته بار دیگر دامنه تجاوز به حقوق شهروندان ایرانی
و توده های معترض به نحوه انتخابات فرمایشی و ضد دمکراتیک ریاست
جمهوری بالا گرفت. تا کنون هشت نفر کشته، صدها نفر از جوانان این
مرز و بوم مورد توهین، اذیت و آزار، پی گرد، دستگیری و شکنجه
قرار گرفتند. اگر چه در این انتخابات تنها "خودی ها" تحت قیمومیت
کامل "رهبری" نظام و کنترل شدید شورای نگهبان به رقابت با یکدیگر
پرداختند، اما از ابتدا روشن بود که آراء عمومی مردم تا حدی مورد
قبول است که تناسب مورد نظر را بر هم نزند. با این وجود کاندیدا
های مورد تائید "رهبری" از تمامی امکانات موجود، از تحمیق توده
های مردم برای شرکت در انتخابات گرفته تا جعل آرا برای انتخاب و
یا انتصاب خود کوتاهی نکردند.

بازنده واقعی این انتخابات توده های ملیونی مردم بودند که یا به
باور خود و یا تحت تاثیر برخی از نیروهای "اپوزیسیون" می
پنداشتند که تنها حضورشان در صحنه انتخابات به سود این و یا آن
چهره "اصلاح طلب"، می تواند تغییراتی را به نفع مردم حادث شود و
یا حداقل میان بد و بدتر، بد حاکم شود. پیروزی محمود احمدی نژاد
و برون آمدن اش از صندوق رای اگر چه برای این توده ها و نیروهای
"اپوزیسیون" حامی اصلاحات از درون تا حدودی غیر قابل تصور بود،
اما برای کاندیدا های اصلاح طلبان حکومتی روشن بود که بدون
پشتیبانی ولی "فقیه" شانس چندانی برای پیروزی در این انتخابات
نخواهند داشت. حضور گسترده مردم در انتخابات تنها اهرمی بود که
می شد از آن "رهبری" را یا مجبور به عقب نشینی و یا حداقل سکوت
و اداری نمود، تا به طور روشن از احمدی نژاد پشتیبانی نکند. در ضمن
حضور مردم برای نظام نیز نعمتی بود تا بتواند تنور انتخابات را
داغ تر کند و و به جهانیان نشان دهد که هنوز از استقبال مردمی
برخوردار است.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران در بیانیه خود به مناسبت
انتخابات ریاست جمهوری به طور بسیار روشن و صریح عنوان کرد که
نباید در این نمایش انتخاباتی شرکت کرد. این انتخابات ضد
دمکراتیک در فقدان احزاب و رسانه های مستقل، و بدور از هر نوع
نظارت معتبر برگزار می شود، لذا نه دمکراتیک است و نه آزاد.
بخشی از اپوزیسیون از این تجربه سی ساله حاکمیت جمهوری اسلامی
درسی نگرفت و به تشویق توده ها برای شرکت در به اصطلاح انتخابات

پرداخت. اینک نیز در اعتراض به انتصاب احمدی نژاد برای دور دوم، به دولت ها و افکار عمومی جهانی پناه می برد. گویا منتظر یک دست غیبی است که فضای سیاسی ایران را به سود دمکراسی تغییر دهد.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران در بیانیه خود در مورد انتخابات "ضمن احترام به حق رای مردم و باور به آن که آنان به صلاحدید خود تصمیم لازم را خواهند گرفت" خود را "موظف" دید به این توهم و انتخابات "نه دیگری" بگوید.

کانون دفاع از مبارزات مردم ایران دفاع از صدها جوان پرشوری که در روزهای اخیر در اعتراضات خیابانی توسط عوامل و نیروهای رژیم دستگیر شده اند، دفاع از جنبش های دمکراتیک و مستقل زنان، دانشجویان، کارگران، اقوام و اقلیت های فرهنگی، مذهبی و جنسی که خارج از رقابت های دو جناح حکومتی در جریان است را وظیفه خود می داند و در این راه تمامی توان خود را به کار می بندد.

ما از تمامی نیروهای دمکراتیک دعوت می کنیم که در اعتراض به دستگیری های اخیر خیابانی، در اعتراض به شکنجه، کشتار و اعدام، در اعتراض به سرکوب کارگران و دستگیری ده ها کارگر در ماه های گذشته، در اعتراض به آپارتاید جنسی و سرکوب زنان، در اعتراض به زیر پا گذاشتن حقوق حقه معلمان و پرستاران، در اعتراض به سرکوب روشنفکران، دانش جویان و دگراندیشان، در اعتراض به سرکوب اقلیت های قومی، ملی، فرهنگی و مذهبی، در اعتراض به برگزاری انتخابات غیر آزاد و غیر دمکراتیک ریاست جمهوری و در دفاع از حقوق تمامی مردم در حرکت های اعتراضی که در روز های آینده، چه از طرف ما و چه از طرف نیروهای مترقی و دمکراتیک انجام می گیرد شرکت فعال نموده و از مبارزات مردم به پا خاسته ایران حمایت کنید. تنها با حرکت های عمومی و اعتراضی می توان رژیم جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی نمود و فضای سیاسی را به سود مردم تغییر داد. نشست ها و اکسیون های بعدی متعاقبا به آگاهی هم میهنان خواهد رسید.

اکسیون اعتراضی ما روز جمعه 19 یونی ساعت 17 در مرکز شهر بین "Bahnhof" و "Kaufhof"

و روز یشنبه 20 یونی ساعت 13 در برابر مجسمه شیلر بین "Karstadt" و "C&A" برگزار میشود

کانون همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر

تحریم انتخابات و برنامه بعد از تحریم

سخنرانی

پرسش و پاسخ

سخنرانان:

خانم ژاله وفا : مجامع اسلامی ایرانیان
آقای منوچهر صالحی : پژوهشگر و کوشنده سیاسی
آقای پرویز نویدی : اتحاد فدائیان خلق ایران

شروع جلسه : ساعت/30- 19 شنبه 6 ژوئن 2009 برابر با 16 خرداد 88

آدرس جلسه :

A.G.E.C.A 177 RUE de CHARONN PARIS 11

مترو ALEXANDRE DUMAS

دعوت کننده : مجامع اسلامی ایرانیان

به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در ایران

مه 2009 - اردیبهشت 1387

سخنرانی پالتالکی

تحریم انتخابات تئوکراتیک ایران

به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در ایران، جنبش جمهوری خواهان
دموکرات و لائیک برنامه پالتالکی بحث و گفتگویی در روز یکشنبه 31
مه با شرکت خانم فاطمه حقیقت جو و آقایان حسن شریعتمداری و شیدان
وثیق برگزار کرد. شیدان وثیق متن سخنرانی خود را که در زیر می
خوانید برای ما ارسال کرده است.

با سلام به خانم ها، آقایان و سخنرانان محترم. با تشکر از جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران که چنین فرصتی را فراهم آورده اند تا گفت و شنودی با هم داشته باشیم. من در این جا سعی می کنم، بویژه از یک موضع دفاع کنم: تحریم انتخابات تئوکراتیک در ایران. اما ابتدا، سه نکته را مایلم یاد آوری کنم.

- یکی این که من در این جا به صفت شخصی اظهار نظر می کنم. با این وجود کوشش من همواره این بوده و هست که از دو خاستگاه به مسائل سیاسی - اجتماعی و امر «سیاست» بنگرم. یکی از موضع جمهوری خواهی دموکراتیک و لائیک و دیگری از موضع چپ انتقادی، آزادی خواه، سوسیالیستی و غیرتوتالیتر که «چپ دیگر» می نامم. این دو نگاه به باور من اساسی و مکمل یکدیگر اند.

- نکته ی دوم این است که به باور من تحریم "انتخابات" منافاتی با مداخله گری جنبشی در فضایی که به مناسبت انتخابات ایجاد می شود، ندارد. این دو رویکرد نیز، یعنی تحریم و مداخله گری، اساسی و مکمل یکدیگر اند. می دانیم که ویژگی اصلی اوضاع امروز ایران، برآمدن جنبش های اجتماعی - سیاسی است. جنبش های مدنی، حقوق بشری، انجمنی و سندیکایی. جنبش زنان، جنبش های دانشجویی، کارگری و ملی-قومی. این جنبش ها، امروزه، می خواهند با مطالبات خود در جامعه حضور یابند. فعالیت کنند. طرح ها، خواست ها و ایده های خود را با مردم در میان گذارند. به جنبشی گفتمانی با مردم و درمیان مردم دامن زنند. بدین وسیله، شرایط ذهنی و عملی تغییرات اجتماعی و سیاسی در ایران را فراهم کنند. وظیفه ی اپوزیسیون دموکراتیک خاج از کشور پشتیبانی از این جنبش هاست. دیالوگ با آن هاست. اما دیالوگ و نه مونولوگ. پشتیبانی انتقادی و نه بَه بَه و احسنت گویی متداول. گفتگویی همراه با طرح کاستی ها، نارسایی ها و توهم ها که در جنبش وجود دارند. جنبشی که خود را نیز، با همه ی کاستی ها، نارسایی ها و توهم ها، بخشی از آنیم.

- نکته ی سوم این است که رأی شهروندان متعلق به خود شهروندان است. این احزاب، سازمان ها و فعالان اجتماعی- سیاسی نیستند که برای مردم تعیین تکلیف می کنند که رأی بدهند، ندهند و یا به چه فردی رأی دهند. شهروندان بالغ و عاقل صاحب اختیار چگونه رأی دادن خود هستند. اما این بدین معنا نیست که فعالان اجتماعی- سیاسی، سازمان ها و احزاب نظر خود را به صورت پیشنهادی با مردم در میان نگذارند. از جمله این که در انتخابات غیر آزاد، ضد دموکراتیک و تبعیض آمیز نباید شرکت کرد.

با این مقدمه به گفتار اصلی خود می پردازم.

آن چه که پیش روی ما ست، برنامه ای است که طی سی سال بنام «انتخابات ریاست جمهوری» در ایران اجرا می شود. به طور منظم هر چهار سال یکبار و توسط سیستمی تام و تمام تئوکراتیک و تمام خواه، «انتخاباتی» که در حقیقت نه انتخابات است، نه در آن رئیس جمهوری صاحب اختیار انتخاب می شود و نه موضوع آن امر جمهور است. با این گفته، البته ما رازی را فاش نمی کنیم. تمامی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و کارکرد این رژیم، از استقرارش در پی انقلاب ضد سلطنتی 1358 تا امروز، دلالت بر آن می کنند.

- یک این که، پدیداری به مفهوم جمهوری *Res publica* به معنای چیز عمومی یا امر عمومی در ایران وجود ندارد. آن چه که هست، چیز یا امر تئوکراسی اسلامی است. بنا بر اصل دوم قانون اساسی: نظام ایران «نظامی است بر پایه ی ایمان به خدا، اختصاص حاکمیت به او، لزوم تسلیم در برابر امر او، ایمان به وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین... ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن». و بنا بر اصل چهارم: «کلیه ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد...». پس در چنین نظامی، امر عمومی یا جمهور نسخ می شود. زیرا که جمهور یا امر عمومی دین ندارد. دین نمی شناسد. هر گاه که دین وارد میدان امر عمومی شود، امر عمومی از میدان به در می رود. جایش را به امر خاص، امر خواص، امر روحانیت، امر امام، امر دین، امر مذهب، امر اسلام، اولوالامر و از این قبیل چیزها می دهد. بدین سان، چیز عمومی، عمومیت خود را از دست می دهد.

- دوم این که در این به اصطلاح انتخابات، فردی از درون دستگاه به نام «رئیس جمهور» انتخاب می شود که صاحب اختیار و قدرتی تعیین کننده نیست. اما کسی که بالای سر او قرار دارد و دارای همه ی اختیارات و قدرت هاست، در غیاب خدا و رسول، اولوالامر است، صاحب امر است، تعیین کننده ی اصلی سیاست های کلی نظام است، نه منتخب مستقیم مردم است و نه پاسخگو به مردم. در تئوکراسی ایران، بنا بر اصول 5 ام، 57 ام و 110 ام قانون اساسی، همه ی اهرم های قدرت در دست ولایت فقیه و نهادهای منصوب اوست (1). به همه اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی باید حکم «حکومتی رهبر» را نیز اضافه کرد.

- سوم این که «انتخابات ریاست جمهوری» مانند دیگر انتخابات در

ایران آزاد نیست. آشکارا ضد دموکراتیک است. انتخابات آزاد و دموکراتیک مستلزم وجود پیش شرط هایی چون فضای آزاد بحث و گفتگو، فعالیت آزاد جامعه ی مدنی، انجمن ها، احزاب و سازمان ها، آزادی مطبوعات و رسانه های مستقل و حضور ناظرین بین المللی... است. در انتخابات ایران هیچ یک از این پیش شرط ها وجود ندارند. "انتخابات ریاست جمهوری" در ایران، انتخابی است از بین برگزیدگان شورای نگهبان که معتقد به مبانی دین سالاری اسلامی اند. شورای نگهبانی که 6 تن از اعضای تصمیم گیرنده ی آن (یعنی فقهای آن) در حوزه ی انطباق قوانین با موازین دینی، بنا بر اصل 99 ام قانون اساسی، برگزیده ی ولی فقیه اند. این نهاد انتصابی سدی عبور ناپذیر در برابر منتقدان و مخالفان و راه یافتن آن ها به نهاد های به ظاهر انتخابی است.

- سرانجام، "انتخابات ریاست جمهوری" ایران آشکارا تبعیض آمیز است. بنا بر اصل 114 ام قانون اساسی: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» انتخاب شود. بدین ترتیب، بنا بر این اصل و یا تفسیر شورای نگهبان از آن، بیش از نیمی از جامعه، یعنی زنان، از حق نامزدی برای ریاست جمهوری محرومند. از سوی دیگر، طبق همین اصل، اقلیت های مذهبی (غیر از مذهب رسمی) و کسانی که باور به دین ندارند... از حق نامزدی محروم می شوند. پس، حداقل چیزی نزدیک به دو سوم جمعیت واجد شرایط سنی برای رأی دادن، از حق نامزدی برای ریاست جمهوری در ایران محرومند.

اما اهمیت تحریم انتخابات تئوکراتیک در ایران را زمانی بهتر در می یابیم که ویژگی های این تئوکراسی را بشناسیم. از جمله تقلای مستمر آن را برای کسب مشروعیتی مردمی برای خود.

- تئوکراسی اسلامی ایران در یکی از معنای «سکولاریزاسیون»، گونه ای سکولار است. یعنی در عین حال که ادعای مشروعیت آسمانی و خدایی می کند، در پی کسب مشروعیت زمینی و مردمی نیز هست. تئوکراسی در معنای اخص و کلاسیک خود نیازی به مشروعیت دنیوی ندارد. چون همان مشروعیت آسمانی برایش کافی است. اما تئوکراسی اسلامی ایران از ابتدا در پی جلب پشتیبانی مردم بوده است. بدین منظور، جمهوری اسلامی، از روز نخست، همه ی نهادها و نمادهای مدرنیته چون دولت، پارلمان، جمهوریت، قانون اساسی، جدایی سه قوه، انتخابات... را در خدمت تئوکراسی خود به کار می گیرد. اما با زدودن معنا، مضمون و جوهر دموکراتیک آن ها، از سوی دیگر، تئوکراسی اسلامی ایران محصول

انقلابی مردمی است. در نتیجه همواره در پی آن است که رژیم خود را به مردم خود و جهانیان، «مردمی» و «ادامه دهنده ی انقلابی مردمی» بنمایاند. این تئوکراسی همواره می خواهد که «مردم»، خود، داوطلبانه، رأی به بردگی، انقیاد، سلطه و قیمومیت پذیری خود دهند.

- ویژگی دیگر این است که در دین سالاری شیعی ایرانی، چند دستگی و اختلاف وجود دارد. در نتیجه این نوع تئوکراسی برای حفظ حکومت خود، نیاز مبرم به فضایی دارد که در آن بتواند اختلاف های درونی خود را، بطور مسالمت آمیز (حتی المقدور!)، حل و فصل کند. از این طریق است که به مصالحه و سازش هایی موقت در درون خود دست می یابد. در نتیجه، این تئوکراسی، برای انتخاب فردی یا افرادی از میان خود، به یک نوع «دموکراسی تئوکراتیک» توسل می جوید، با این که این دو نافی و ناسخ یکدیگراند.

- سرانجام، در "انتخابات ریاست جمهوری ایران"، نامزدهای انتصابی شورای نگهبان، بنا بر علت وجودی شان، ملزم به پذیرش و رعایت قانون اساسی و بنیادهای حکومت اسلامی اند. از این رو، آن ها نمی توانند خواهان ایجاد تغییراتی اساسی در اوضاع کشور باشند. اینان، در مقام ریاست جمهوری و در صورت تمایل به برخی اصلاحات محدود در چهارچوب نظام، دارای اختیار و قدرتی مستقل از رهبر و دستگاه تئوکراتیک نیستند که بتوانند چنین سیاست هایی را اجرا کنند.

دین سالاری اسلامی ایران همواره می کوشد که در "انتخابات" مختلف، از جمله در انتخابات ریاست جمهوری که مهم ترین و سیاسی ترین آن ها است، رأی مردم را «رأی داوطلبانه ی» آن ها به حکومت اسلامی وانمود کند. تا از این طریق بتواند، هم در عرصه ی داخلی و هم خارجی، با دست هایی باز عمل کند. در صحنه ی داخلی، سلطه بر مردم را تشدید کند. خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه ی آن ها را سرکوب کند. و در صحنه ی بین المللی، سیاست های قدرت طلبانه و ماجراجویانه خود را ادامه دهد.

حال از آن چه که رفت چه نتیجه ای می می گیرم. این که انسان آزاده در برنامه ای غیر آزاد، ضد دموکراتیک و تبعیض آمیز شرکت نمی کند. امتناع از شرکت در انتخابات، تحریم یا بایکوت آن یعنی خود داری از رفتن به پای صندوق رأی در روز انتخابات. البته قابل درک است که بخش هایی از مردم عاصی، در برابر تنها دو راهی موجود تحمیلی،

یعنی بین بد و بدتر، ناگزیر اولی را انتخاب کنند تا دومی را حذف کنند. این را هم می دانیم که بخشی از اپوزیسیون خارج از قدرت، از جمله در خارج از کشور، در راستای استراتژی سیاسی توهم آمیز و توهم زا برای تغییر اوضاع، استراتژی مبنی بر پشتیبانی کم و بیش بی چون چرا از اصلاح طلبان درون سیستم، از شرکت در انتخابات و رأی به اینان جانبداری می کند. از سوی دیگر، همواره ادعایی وجود دارد که امر شرکت در انتخابات را سیاستی مؤثر و امر تحریم انتخابات را سیاستی بی حاصل وانمود کند. اما آن چه که راهنمای عمل ما باید قرار گیرد، نه امیدهای واهی به تنگ آمده ی آن بخش از افکار عمومی است و نه تاکتیک های سیاست ورزان حرفه ای رئال پولیتیک. فعالان سیاسی- اجتماعی جنبش های اجتماعی، عناصر و جریان های آزادی خواه، دموکرات، لائیک، روشنفکر و چپ حرفی را باید بزنند که وجدان بیدار، وجدان آزادیخواهی و دموکراسی خواهی، وجدان نافرمانی مدنی، وجدان انقیاد ناپذیری و قیومیت ناپذیری به آن ها توصیه می کند. تنها از راه امتزاج «سیاست» با اخلاق و وجدان آزادمنشانه است که به باور من، امر سترگ «سیاست» به معنای اصیل آن یعنی مشارکت عموم در امور خود در آزادی، برابری و سلطه ناپذیری (معنای آرنتی از سیاست)، می تواند از معرکه ای که امروزه «سیاست» نام دارد، از «سیاست» آن طور که هست و اکنون اعمال می شود، از آن چه که من «سیاست واقعاً موجود» می نامم، جان سالم به در ببرد. سربلند بیرون آید.

رفتن پای صندوق رأی، خدمت به استمرار نظامی است که همواره از تعداد رأی دهنده چون ابزاری برای مشروعیت مردمی بخشیدن به خود در انظار داخلی و بین المللی بهره می جوید. تحریم انتخابات گامی در راه مبارزه با نظام استبدادی و تئوکراتیک ایران است. مردم ایران با برهم زدن برنامه ی انتخاباتی رژیم، انزوای این رژیم در عرصه بین المللی را با انزوایش در عرصه داخلی کامل می کنند. تحریم انتخابات گامی است در راه برچیدن نظام جمهوری اسلامی ایران. تحریم انتخابات تئوکراتیک گامی است در راه فراهم آوردن زمینه های ایجاد جمهوری آزاد، مستقل، دموکراتیک و لائیک در ایران.

با تشکر از خانم ها و آقایان حاضر در اطاق که به صحبت های من گوش فرا دادند. در پایان فرازی از نویسنده ی فرانسوی، دو لابوئسی (2)، 1500 پس از میلاد، از اثر مشهور او به نام «بندگی داوطلبانه یا ضد یک» می خوانم که بی مناسبت با مسأله ی انتخابات ریاست جمهوری در ایران نیست. من البته سعی کردم با وفاداری به مضمون، کمی آن را

به صورت شعر درآورم:

«چگونه است؟»

چگونه است که انسان ها برای بندگی خود می رزمند؟

انگار که

انگار که آنها برای رستگاری خود می رزمند!

یادداشت ها

1. بنا بر اصل پنجم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران «ولایت امر و امامت امت بر عهده ی فقیه...» یا «رهبر» است. بنا بر اصل 57 ام ، قوای سه گانه کشور یعنی «قوه ی مقننه، قوه ی مجریه و قوه ی قضاییه زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت...» است. بنا بر اصل 110 ام، «وظایف و اختیارات» رهبر عبارتند از «تعیین سیاست های کلی نظام... فرماندهی کل نیروهای مسلح، نصب و عزل... فقهای شورای نگهبان... فرمانده کل سپاه پاسداران، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی...».

2. Etienne de la Boétie – Le discours de la servitude volontaire ou le contr'un

cvassigh@wanadoo.fr

سخنرانی دکتر مهرداد درویش پور در گوتنبرگ

نظریه میان برشی در بررسی تضادهای

جنسیتی و نسلی

در بین ایرانیان سوئد و پیامدهای آن

نظریه میان برشی چیست و چه کاربردی در بررسی تضادهای جنسیتی و نسلی در میان ایرانیان مقیم سوئد دارد؟ دشواری های ایرانیان در ادغام و بهم پیوستگی در جامعه سوئد کدامند و موقعیت طبقاتی، سنی و جنسیتی چه نقشی در آن دارد؟ نقش تبعیضات قومی و نژادی در تجربه متفاوت زنان، مردان و جوانان ایرانی از جامعه و مشکلات و چشم اندازی که پیش روی خود می بینند چیست؟ الگوها و تضادهای خانوادگی در میان مردان و زنان و والدین و جوانان ایرانی در سوئد کدامند و چه تغییرات و پیشرفت های در آن صورت گرفته است؟

زمان: شنبه 16 مای

ساعت: 15 بعد ازظهر

مکان: